

# شعرانه

به کوشش: غلامرضا بکتاش

## لحظه‌های

### بوی نرگس

تو می‌آیی از دورها  
از آن سوی مرز زمان  
چو خورشید بر اسب نور  
چو مهمانی از کهکشان

می‌آیی که روح مرا  
پُر از بوی نرگس کنی  
و در فهم آلاله‌ها  
مرا دشتی از حس کنی

اگر تو نیایی کسی  
به باران نخواهد رسید  
و افسانه انتظار  
به پایان نخواهد رسید

اگر تو نیایی، کویر  
همین خاک و داغ است و بَس  
درختان روی زمین  
همه میله‌های قفس

بیا زودتر که هنوز  
زمین و زمان مال توست  
و آبی‌ترین آسمان  
به زیر پَر و بال توست  
ناصر کشاورز

لحظه تولد یک شعر لحظه‌ای  
زیباست.

شعر با یک احساس شاعرانه  
شروع می‌شود و شاعر با  
پرورش این احساس شعر را  
می‌آفریند.

گاهی ممکن است چند  
ماه طول بکشد تا احساس  
و سوژه شاعرانه‌اش به یک  
شعر تبدیل شود. گاهی هم  
ممکن است احساس شاعرانه  
بلافاصله به شعر منجر نشود.  
در هر صورت شعر پس از  
تولد با خوانش شاعر روز به  
روز بهتر می‌شود.

شاعر باید شعرش را چکش  
کاری کند و یادش باشد  
احساس و فکر اولیه او نیاز به  
صیقل کاری دارد.

نقد، پشتوانه شعر است. نظر  
دیگران باید برای شاعر مهم  
باشد.

در غیر این صورت شعری  
ضعیف به دنیا می‌آید و شعر  
ضعیف، شاعری ضعیف را به  
نمایش می‌گذارد.

### گل محمدی

او خسته‌ترین پرنده‌ها را  
 در گرمی ظهر، سایه می‌داد  
 از نسل گل محمدی بود  
 بوی صلوات و آیه می‌داد

در پختن نان، خمیر می‌کرد  
 او مادر مهر و همدلی بود  
 پیوسته غذای ساده‌ای داشت  
 هم سفره کاسه گلی بود

در باور صبح، خیمه می‌زد  
 شب‌ها نظری به ماه می‌کرد  
 غم‌های علی تمام می‌شد  
 وقتی که به او نگاه می‌کرد

بسیار زلال بود و می‌شست  
 از اشک نماز شب، درون را  
 با دست امید، پاک می‌کرد  
 از روی پدر غبار و خون را

در ذهن کویر، چشمه می‌کاشت  
 می‌خواست که باغ لاله باشد  
 جز فاطمه هیچ کس ندیدیم  
 یک مادر پنج ساله باشد<sup>۱</sup>

هنگام قنوت، دست خود را  
 تا عرش خدا دراز می‌کرد  
 افطار، همیشه روزه‌اش را  
 با لقمه نور باز می‌کرد

او رمز بلند آفرینش  
 او آینه‌دار راز عشق است  
 بر رکعت عمر او نوشتند  
 او هجدهمین نماز عشق است<sup>۲</sup>

هادی فردوسی

### جاده

شانه‌هایت خاکی است  
 گرچه هستی سفت و سخت  
 از کنارت می‌رود  
 کوه و دریا و درخت

گاه می‌بیچی به چپ  
 گاه می‌چرخ می‌باشی به راست  
 ابتدای تو گم است  
 انتهای تو کجاست؟

سال‌ها طی کرده‌ای  
 در نشیب و در فراز  
 راه کوتاه و بلند  
 روز و شب‌های دراز

در مسیر زندگی  
 راه داری با خطر  
 هر که شد همراه تو  
 می‌شود مرد سفر  
 محمد گودرزی دهریزی

### معلم

روی تخته سیاه  
 سطری از دل نوشت  
 در زمین ذهن من  
 دانه کاشت  
 جمله جمله  
 سطر سطر  
 از دلم عبور کرد  
 بخش اول دل مرا  
 مرور کرد  
 دفترم پر از ترانه شد  
 فصل‌های من پر از جوانه شد

کمال شفیعی

پی‌نوشت

۱. پس از رحلت حضرت خدیجه(س)  
 حضرت فاطمه(س) که فقط پنج سال  
 داشت با مهربانی‌های خود سعی  
 می‌کرد جای خالی مادرش را برای  
 پیامبر اکرم(ص) پر کنند.  
 ۲. اشاره به رحلت آن حضرت در  
 هیجده سالگی